

## نگاه به تاریخ از منظر اقتصاد

مسعود نیلی، علیرضا ساعدی

### مقدمه

ایران و گذشته پرفراز و نشیب آن در گستره زمانی و مکانی خود شاید بهترین تجلی و گویاترین مصداق در توضیح و تشریح مفهوم تاریخ باشد. قدمت چندین هزار ساله، وسعت و پهناوری سرزمین و موقعیت کاملاً ویژه جغرافیایی کشور که به تعبیری در قلب ارتباطی شرق و غرب عالم قرار گرفته، سبب شده است تا مردمان این آب و خاک در طول زمان شاهد تعداد بی‌شماری از رویدادهای اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی باشند که البته به تناوب و گاه در ابعاد بزرگ در کشور رخ داده است. به همین خاطر نیز ثبت هر یک از این وقایع به صورت مکتوب و یا شفاهی در حافظه عمومی ایرانیان منجر به انباشت حجم بی‌نظیری از روایات و سوابق تاریخی شده است. تعدد سفرنامه‌ها، پندنامه‌ها و شرح احوال بزرگان در ادبیات کشور خود بهترین شاهد در گرایش عمومی ایرانیان به ثبت حوادث، تحلیل آن و انتقال تجارب ناشی از آن به نسل‌های بعدی است. گرچه از دیدگاه علوم انسانی این سؤال اساسی که به راستی کارکرد تاریخ چیست؟ (و چه درس‌هایی از آن می‌توان فرا گرفت؟ و آیا تاریخ از قاعده عمومی تکرارپذیری تبعیت می‌کند؟) کماکان محل بحث و کنکاش است و تلاش‌ها در جهت درک صحیح تاریخ کماکان به قوت خود



باقی است، لکن در واکنش به چنین ذخایر انبوهی از اسناد تاریخی در کشور و جدای از مباحث فلسفی تاریخ، بالطبع اذهان پرسشگر همواره درصدد بوده‌اند تا با مطالعه تاریخ به استنباط دقیق و برداشت صحیحی از تحولات دست یابند و با تحلیل حوادث گذشته، قادر به کسب تجربه و پیش‌بینی تغییرات آتی گردند. این تلاش‌ها در ۵۰ سال گذشته با ارتقاء سطح سواد عمومی و توسعه امکانات نشر، از انحصار طبقات خاص خارجی و در بین عامه مردم گسترش پیدا کرده است. به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی که مباحث سیاسی در سطح جامعه بیش از پیش گسترش یافته، بر اقبال عمومی در بازبینی و بازخوانی تاریخ سیاسی معاصر کشور افزوده شده است. در نتیجه در دو دهه اخیر تعداد زیادی مطالعات و کتب تحلیل تاریخی تهیه و تدوین شده که از ابعاد مختلف به تشریح تحولات تاریخی- سیاسی کشور پرداخته‌اند و در نتیجه گنجینه قابل توجهی از تحلیل‌ها و تحقیقات، حاصل تلاش اهل تاریخ فراهم شده است. اگرچه در این میان گاه مطالبی نیز منتشر شده که به واسطه اغراض و ایده‌های سیاسی از دقت و صحت کافی برخوردار نبوده و یا در مواردی به منظور اجتناب از تبعات سیاسی، تاریخ‌نگاری به سمت وقایع‌نگاری صرف گراییده است و یا مواقعی نیز از دیدگاه‌های هیجانی و احساسی در حد جستجوی مسائل زندگی خصوصی گذشتگان و رمان‌های تاریخی تنزل پیدا کرده است. این‌همه در حالی است که قدمت و اثر سلیقه‌نخبه‌گرا در فرهنگ عمومی ایرانیان همزمان سبب شده است تا همواره وقایع‌نگاری در حول و حوش روایت احوال و تصمیمات افراد و چهره‌های شاخص متمرکز شود و در نتیجه بسیاری از ابعاد بیرونی نیروها و لایه‌های اجتماعی و وجوه بین‌المللی تحولات یا مورد غفلت واقع شوند و یا بدون توجه به مبانی علمی و تنها براساس تئوری‌های توطئه، مورد استناد و مطالعه قرار گیرند. لذا نگاه سیاست‌زده به موضوعات و فقدان روش نظام‌مند در تحقیق و بررسی، بعضاً باعث شده تا تاریخ به مقوله‌ای منفرد و انتزاعی در تلاش ذهنی خلاصه شود و بعضاً بررسی‌های موجود تاریخی در توضیح و تشریح علل حوادث دچار ضعف ساختاری شود و پاسخ‌های موجود قانع‌کننده نباشد.

در این ارتباط مقاله پیش رو در تلاش است تا برای بازبینی بهتر سیر تحولات معاصر ایران، بین مقولات تاریخ و به‌خصوص تحولات تاریخ معاصر از یک سو و علم نوپای اقتصاد سیاسی و



آموزه‌های جدید آن به‌عنوان یک روش نظام‌مند، از سوی دیگر ارتباط برقرار سازد. به عبارت بهتر اگر بتوان تاریخ را تجلی اقدامات افراد در طول زمان و ساخته و پرداختهٔ اعمال مردمان اعصار گذشته دانست آنگاه با استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی می‌توان انگیزه‌های زیرساختی که تشکیل‌دهندهٔ مبانی رفتاری و نظام تصمیم‌گیری اقتصادی افراد هستند را شناسایی نمود و سپس از آنجا که چنین انگیزه‌هایی در طول تاریخ به‌طور ثابت و تغییرناپذیری مسبب حوادث بوده‌اند، می‌توان سایر آثار و شرایط خاص زمانی و مکانی را از وقایع تاریخی مترع نمود و آنگاه با تطبیق مفاهیم مدرن علم اقتصاد با مصادیق تاریخی کشور انگیزه‌های اصلی را شناسایی و نتایج آن را به آینده تعمیم داد و دریچهٔ جدیدی را در تحلیل سازگار وقایع بر پایهٔ مبانی انگیزشی افراد گشود.

امروزه اقتصاد با بهره‌مندی از ابزار قدرتمند ریاضی و با تبیین فروض عملگرایانه، و در حین حال ساده‌کننده به‌عنوان یک مبنا در سنجش رفتار و تحلیل روش تصمیم‌گیری انسان در اجتماع، عملکرد خود را به اثبات رسانده است. پیشرفت سریع علم اقتصاد و زمینه‌های وابسته به شکلی بوده که فصول مشترک فراوانی را در ارتباط با علوم سیاسی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی پدیدار ساخته و در مواردی نسبت به تبیین موضوعات و مسائل مفتوح در این‌گونه علوم احاطهٔ بیشتری نشان داده است. گشایش سرفصل‌های مطالعاتی جدید در اقتصاد سیاسی<sup>۱</sup>، سیاست مقایسه‌ای<sup>۲</sup> و حقوق از منظر اقتصادی<sup>۳</sup> از جمله بارزترین نمونه‌ها در توسعه و بسط مبحث جدید علم اقتصاد در سایر علوم انسانی به‌شمار می‌رود. هم‌اکنون براساس نتایج برآمده از قواعد حاکم بر اقتصاد کشاورزی و معیشتی به‌خوبی نحوهٔ شکل‌گیری و استمرار سنت‌ها و عرف در جوامع قبیله‌ای و عشیره‌ای قابل شناسایی و بررسی شده است. اهمیت این مطلب زمانی آشکار می‌شود که در نظر داشته باشیم بخش عمده‌ای از تاریخ ۱۵۰ سالهٔ اخیر ایران در وضعیت اقتصاد کشاورزی سپری شده است. لذا با این توضیحات اگر هدف، بررسی عینی تاریخ سیاسی کشور از منظر اقتصادی باشد آنگاه اقتصاد سیاسی به مفهوم مطالعهٔ روند جابه‌جایی منابع و منافع، شاید تنها پایگاهی است که با استناد به آموزه‌های آن می‌توان از تحلیل‌های عامیانهٔ تئوری توطئه و با تفسیرهای ایدئولوژیک (مارکسیستی) در مطالعات تاریخی فاصله گرفت و تحت مفهوم جدید



نظام تضاد و یا اشتراک منافع، به ابعاد جدیدی از واقعیت تحولات و علل حوادث تاریخی سیاسی کشور اشراف پیدا کرد.

### کلیات اقتصاد سیاسی

پیش از ذکر شواهدی از جنبه‌های پنهان مانده اقتصادی در تاریخ سیاسی ایران که هر یک می‌تواند بالقوه موضوع برنامه مطالعاتی مفصل و جداگانه‌ای قرار گیرد، برای ورود به موضوع، ارائه توضیح خلاصه‌ای از رویکرد و متد علم اقتصاد سیاسی ضروری است. به‌طور کلی در این رویکرد، مبنای مطالعه در سطوح بسیار خرد بر پایه انگیزه‌های اقتصادی بسیار قوی، ناخودآگاه و تغییرناپذیر انسان همچون تلاش برای حیات، حفظ مالکیت و سود محوری عقلایی بنا می‌شود و از طریق چنین فرض‌هایی الگوی رفتار خودآگاه افراد در عرصه‌های مختلف اجتماع مورد تحلیل و حتی پیش‌بینی قرار می‌گیرد. به عبارت روشن‌تر، اقتصاد سیاسی مضمونی است که تحت آن، دلایل اقتصادی تصمیمات اجتماعی- سیاسی افراد مورد تحقیق قرار می‌گیرد و سپس چگونگی تسری و گسترش تعامل این چنین تصمیمات فردی در سطح عمومی جامعه مطالعه می‌شود.

در این راستا علم نوپای اقتصاد سیاسی در تحلیل مسائل، همچون سایر علوم، نگاهی اثباتی<sup>۴</sup> به مسائل را برمی‌گزیند و در واقع بدون قضاوت و پیش‌داوری‌های اولیه ناشی از ارزش‌گذاری‌های هنجاری<sup>۵</sup> درصدد است تا چرایی و چگونگی مسائل را آن‌گونه که هست تشریح نماید، نه آن‌گونه که باید باشد. در این حوزه همچون سایر علوم مدرن، هدف شناخت جهان خارج و اشراف بر قانونمندی‌های حاکم بر آن به منظور فراهم آوردن امکان پیش‌بینی و قدرت هدایت تغییراتی آتی است. فرض‌های اقتصاد سیاسی در پس یکدیگر و به‌صورت مکمل بدین ترتیب مطرح می‌شود که در شرایط طبیعی، تصمیمات عمده سیاسی افراد براساس کسب حداکثر مطلوبیت و منافع شخصی شکل می‌گیرد. برآیند این تصمیمات در انواع نظام‌های حاکمیت از پادشاهی تا دمکراتیک و در قالب تصمیم‌گیری‌های فردی و یا دسته‌جمعی منجر به اختصاص منابع و جابه‌جایی مواهب در سطح کلان جامعه می‌شود و اثرات آن تا سطح خرد



«فرد» گسترش می‌یابد. در این اثنا و در هر جامعه انسانی، منازعات قدرت طلبانه مختلفی بر جریان امور و نتیجه نهایی توزیع ثروت اثر می‌گذارد.

در امتداد این تعریف گروه، فرقه و حزب در عرصه سیاسی در واقع نهادهایی هستند که نمایندگی منافع (به حق و یا ناحق) و خواسته‌های قسمت سازمان‌یافته‌ای از جامعه را برعهده می‌گیرند. در این راستا رهیافت جدیدی از مفهوم اکثریت و اقلیت مطرح می‌گردد که در واقع حاصل معادلات و روابطی است در بدنه اجتماع و حاکمیت (اشتراک و تضاد منافع)، در پاسخ به این سؤال عمده در حکومت‌ها، که از چه کسی و به چه مقدار باید مالیات اخذ کرد و به چه کسی و به چه میزانی منافع باید بازپرداخت شود (جابه‌جایی مواهب و منابع). باید توجه داشت که در این تئوری مفهوم قدرت در میزان بهره‌مندی از مواهب و امکان استفاده از منابع و منافع اجتماعی به منصه ظهور می‌رسد. ضمن آنکه همزمان گروه‌های خاصی که گرد اهداف یا منافع ویژه، سازمان یافته‌اند نیز از طریق اعمال نفوذ بر حاکمان و تصمیم‌گیرندگان و به واسطه فعالیت‌های سیاسی اقتصادی خود درصددند تا جریان امور را به نفع و جهت خود تغییر دهند.

در این راستا و به‌عنوان مصداقی روشن از جریان‌ات تاریخی و برای ورود به بحث، توجه به ترکیب هزینه‌های حکومتی عصر قاجار در تأمین منافع افراد خاص آموزنده است. برای مثال در سال ۱۲۸۹ش در حدود ۲۸٪ از بودجه دولت صرف پرداخت حقوق و مستمری به شاهزادگان، وزراء، مستخدمین دولت و شخص شاه و دیگر نزدیکان سیستم حکومتی می‌شد. در واقع قدرت حاکمه به‌طور رسمی و در ردیف بودجه، بخشی از منابع ناشی از عایدات اراضی و مالیات ایالات را بین عوامل و نیروهای ذی‌نفوذ و نزدیک به خود توزیع می‌نمود. اهمیت و مصداق این رویکرد زمانی گویاتر نمایان می‌شود که به ترکیب بودجه دولت در حدود ۵ سال پس از فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان و تغییر بافت قدرت حاکمه، توجه شود که برای اولین بار در ردیف‌های بودجه، بند مستمری درباریان و وابستگان وزرا و دربار با بند مستمری آزادی‌خواهان، مجاهدین و وراث ایشان جایگزین می‌شود. به عبارت دیگر تخصیص منافع این بار شاکله نیروهای جدید، نزدیک به قدرت فائقه جدید را شامل می‌شود. از همین روست که اصولاً در اقتصاد سیاسی، حفظ قدرت و



اختیار جابه‌جایی منابع به دو هدف اساسی در تلاش حاکمان برای بقای سیاسی و حفظ مسند ریاست بدل می‌شود.

براساس آموزه‌های اقتصاد سیاسی، تئوری قدرت و حکومت ارتباط معناداری با سنجۀ منافع و مواهب اقتصادی جامعه و امکان توزیع آن برقرار می‌سازد و در واقع تحت مفهوم حفظ قدرت، لزوم توجه به ارتقاء سطح رفاه عموم از سوی حاکمان مطرح می‌شود و در نتیجه بقای حکومت‌ها در گرو نقش‌آفرینی مردم قرار می‌گیرد. در قالب چنین ساختاری در تاریخ مدرن غرب است که شکل‌گیری و پیدایش نهادهای اصلی سیاسی چون نظام دموکراتیک پارلمانی، تفکیک قوا و نیاز به قانون اساسی در نحوه ساماندهی ارتباط اقتصادی مردم با حکومت تبیین و الزامی می‌گردد. در واقع شاید عدم ورود کشور به مراحل توسعه اقتصادی نظیر آنچه که در قرن نوزدهم و در دوران انقلاب صنعتی در اروپا رخ داد سبب شد تا تلاش‌های آرمان‌خواهانۀ روشنفکران ایرانی به‌رغم حضور در اروپا و اثرپذیری از تحولات نوین جهانی همواره از مناسبات ریشه‌ای اقتصاد و کارکرد زیربنایی آن در نظام سیاسی، حقوقی و نظامی کشورهای پیشرو غافل بماند و در جستجوی زیربنای اصلی پیشرفت یعنی شروع تحولات تحت انگیزه‌های اقتصادی افراد، فقط به سمت نهادها و دستاوردهای روبنایی در غرب منحرف شود.

باید توجه داشت که تحلیل تاریخ کشور بر مبنای اقتصاد سیاسی موجب تنزل آرمان‌ها و مبانی اقتصادی ارزشی مبارزات و فعالیت‌های سیاسی گذشتگان نخواهد بود بلکه هدف ارائه تفسیر جدیدی است از آزادی‌خواهی به معنی آزادی انتخاب اقتصادی، عدالت‌جویی به مفهوم حفظ حقوق مالکیت از تعرض و اصلاح‌طلبی به تعبیر طراحی نظام ارتباط اقتصادی دولت و مردم و جلوگیری از تضییع حقوق اقتصادی افراد. چرا که به هر تقدیر اگرچه وقایع تاریخی تکرارناپذیر به نظر می‌رسد لکن مبانی ثابت رفتاری فرد همواره در طول زمان تکرارپذیر بوده است.



### جغرافیای اقتصادی ایران در عهد قاجار

جدای از رویکردهای روشنفکری و تلاش‌های اصلاح‌گرایانه متفکرین گذشته برای نیل به توسعه سیاسی و اقتصادی در کشور، همزمان و از یک منظر کلی دیگر باید توجه داشت که تا عهد قاجار و در طول ازمنه طولانی، برخی شرایط نامساعد جغرافیایی و اقلیمی نیز به‌طور طبیعی مانع از تشکیل زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای شروع رشد پایدار اقتصادی و صنعتی در کشور شده بود. هجوم گسترده و متعدد اقوام مختلف به ایران در طول سده‌ها و در نتیجه عدم شکل‌گیری یک حکومت مرکزی با ثبات سبب شد تا در طول ۶ قرن پایتخت کشور به‌عنوان مرکز انباشت علم و ثروت ۹ بار تغییر مکان دهد. در حالی‌که در همین مدت مراکزی چون استانبول، قاهره، دهلی، پاریس و لندن جایگاه خود را تثبیت کرده بودند. از سوی دیگر ناهمواری و فراز و نشیب طبیعی سرزمین، ارتفاعات بسیار و نبود یک راه بزرگ آبی در داخل کشور شبیه به آنچه در جوامع هیدرولیک<sup>۶</sup> وجود داشت و برای حمل‌ونقل داخلی ضروری بود، ضمن آنکه شهرهای بزرگ در پشت سلسله جبال و کوه‌های بلند مرکزی و شمالی کشور قرار داشت و کویر بزرگ مرکزی، بنادر عمده و آب‌های آزاد جنوبی را از شهرهای مرکزی جدا ساخته بود و به همین واسطه خطوط راه‌آهن و خطوط منظم کشتیرانی در کشور بسیار دیرتر از سایر ممالک شکل می‌گیرد.<sup>۷</sup> از سوی دیگر، گستردگی و وسعت چشمگیر کشور در مقابل نفوس قلیل آن در ابتدای قرن، منجر به توزیع بیش از حد ناچیز افراد در مساحت‌های زیاد شده بود که این خود موجبات بروز مشکلات بسیاری را در شکل‌گیری نظام ارتباطی و افزایش هزینه‌های مبادله، نقل و انتقال و گسترش تجارت فراهم آورده بود. بنابراین باید در نظر داشت که جدای از سایر مطالب سیاسی و اقتصادی و تحولات جهانی، به‌طور طبیعی کشور در آغاز ورود به قرن نوزدهم از شرایط و ظرفیت‌های مناسب برای جهش برخوردار نبود.

### شواهد تاریخی

حال اگر از منظر علم اقتصاد سیاسی به سرفصل‌ها و تحولات عمده تاریخ سیاسی کشور و به‌خصوص تحولات دوران مشروطه‌خواهی تمرکز کنیم می‌توان در قالب برنامه مطالعاتی منسجم



و سازگار و با طرح سؤالات مشخص و هدف‌گذاری شده و به دور از بزرگنمایی‌های رایج، روند امور را از زاویه جدیدی مشاهده کرد. در اینجا باید متذکر شد که هدف اصلی از طرح مسئله، تنها تأکید بر لزوم به‌کارگیری رویکردهای اقتصادی در تحلیل‌های تاریخی است و به همین خاطر در این مقطع شواهد تاریخی که در ادامه مطرح می‌شوند، به منظور تشریح، تفسیر و تبیین وقایع تاریخی نیست، بلکه بیشتر گمان‌های اولیه‌ای است تا ارتباطی بین تاریخ و اقتصاد برقرار سازد. این اتصال در گام بعدی درصدد است تا چارچوب مشترک جدید در مسیر مطالعاتی بگشاید که تحت آن همکاری‌های بالقوه بین اقتصاددانان و مورخان به فعل درآید.

پیش از ورود به مبحث سیاسی اقتصادی تحولات مشروطه‌خواهی، ضروری است تا از شرایط اقتصادی کشور در دوران اولیه قاجار و پیش از به قدرت رسیدن مظفرالدین شاه، شرح مختصری ارائه شود. باید توجه داشت که به‌طور کلی در طی این دوره، مجموعه عوامل طبیعی که در بالا بدان اشاره شد به همراه سایر دلایل بیرونی و بین‌المللی اصولاً موجبات کاهش توان اقتصادی کشور را به‌تدریج فراهم آورده بود. بیش از همه باید به خاطر داشت که بخش وسیعی از مناطق حاصلخیز در نتیجه جنگ‌های ایران و روس از کشور متنزع شده بود و بالتبع از درآمدهای متکی به محصولات کشاورزی که بخش عمده درآمدهای دولت را تشکیل می‌داد، نیز کاسته بود. همچنین وقوع مرگ و میرهای بسیار در نتیجه خشکسالی و قحطی گسترده در سال ۱۲۹۳ موجب کاهش فراوان نفوس و نیروی کار در کشور شده بود. این در حالی بود که قبلاً شیوع مرض ماسکادین در سال ۱۲۸۱ در کشور، به مقدار زیادی سبب کاهش محصول ابریشم و در نتیجه کاهش میزان درآمدهای صادراتی کشور شده بود. در نتیجه کاهش محصول و درآمد کشور، ارزش مایحتاج غذایی مردم نیز در فاصله سال‌های ۱۸۴۷ تا ۱۹۱۴ بین ۴ تا ۸ برابر افزایش یافت<sup>۱</sup> که خود مؤید نوعی تورم بسیار افسارگسیخته بود. از همه مهم‌تر آنکه، سقوط شدید نرخ‌های جهانی مواد اولیه در سال ۱۲۹۱ و در نتیجه کاهش ارزش نقره در جهان که فلز پایه در ارزش‌گذاری پول ملی به‌شمار می‌رفت نیز مزید بر علت شد تا اصولاً روند کاهش درآمدهای ملی با کاهش ارزش پول ملی شتاب گیرد. کاهش ارزش تا جایی بود که نرخ مبادله پول رایج کشور با لیره استرلینگ در سال ۱۹۱۴ به یک پنجم آن در سال ۱۸۰۰ میلادی رسید.





لذا می‌توان نتیجه گرفت که در اواخر دوره ناصری وضعیت اقتصاد کشور به شدت با بحران دست به گریبان بود و کسری‌های متوالی بودجه و عدم توازن بین دخل و خرج کشور به صورت مزمن، ریشه بسیاری از ناتوانی‌ها و نارضایتی‌ها را پیشاپیش فراهم ساخته بود. در اصل مدرن شدن برخی شئون حکومتی، تجهیز قشون و بزرگ شدن بی‌رویه دولت‌ها و افزایش مخارج آن به واسطه فساد حاکمان و در عین حال باقی ماندن نظام سستی تأمین درآمد براساس کشاورزی معیشتی، در کل موجب کاهش قدرت مالی دولت‌ها و در نتیجه عدم شکل‌گیری یک تعادل پایا شده بود و استمرار نوسانات در حاکمیت، روز به روز موجب تضعیف بیشتر حکومت و قدرت یافتن گروه‌های اقماری و متمردين می‌شد. شاید از همین روست که تلاش حکومت قاجار در اعطای انحصارات به رویتر و تالبوت در جذب سرمایه خارجی به کشور با مخالفت جدی روبه‌رو می‌شود. به همین خاطر نیز در بررسی‌ها تلویحاً، پیش درآمد تحولات مشروطه‌خواهی به دوران ناصری باز می‌گردد. در این زمان یکی از مهم‌ترین وقایع از منظر اقتصادی، اعطای برخی امتیازات به سرمایه‌گذاران خارجی در طول سفر ناصرالدین شاه به انگلستان بوده است که به دنبال اعتراضات و فتاوی علما در نهایت امتیاز انحصار تجارت تنباکو به تالبوت، از آن میان فسخ گردید. فارغ از آنکه اصولاً ذات چنین قراردادهایی آیا می‌توانسته در جذب سرمایه و فن‌آوری خارجی به کشور مؤثر واقع شود یا خیر، لکن چنین امتیازاتی شاید به واسطه ضعف و فساد دستگاه حاکمه از دید نیروهای داخلی در بدترین شرایط واگذار شده بود. برای مثال مراجعه به اسناد وقت نشان می‌دهد که در واقع اعطای انحصار احداث خط آهن به رویتر خود ناشی از مشکلات عدیده‌ای در داخل و خارج از کشور بوده است.

فقدان امنیت داخلی در حفظ مصالح و سرمایه‌گذاری صورت گرفته در خطوط، نبود کارگر لازم و ماهر ایرانی و سنگ‌اندازی مقامات محلی در راه گسترش خط آهن از مناطق در برابر درخواست رشوه و در نهایت فقدان سرمایه کافی در داخل (طبق برآوردها برای احداث خطوط آهن به ۶ میلیون لیره نیاز بود)، مجموعه عواملی بودند که شاید برای احداث خط آهن، اعطای امتیاز را ضروری می‌ساخت. باید در نظر داشت که جزئیات قرارداد تا حدود زیادی به نفع کشور یک‌طرفه بوده است، کما اینکه بازپرداخت‌های دولت فقط از محل عایدات پروژه تعهد شده بود



و در اصل عدم اجرای پروژه، ناشی از این واقعیت بود که رویت در تأمین مالی و توجیه سرمایه‌گذاران انگلیسی برای مشارکت در ادامه طرح با شکست روبه‌رو شد.<sup>۹</sup>

در این راستا این سؤال مطرح می‌شود که چرا بعدها و در بین سایر قراردادهای، مثلاً فقط امتیاز تنباکو در واقعۀ رژی با مخالفت شدید داخلی روبه‌رو می‌شود و به عبارت دیگر چرا سایر زمینه‌های قرارداد شامل تأسیس تلگراف، بانک و حفر و بهره‌برداری معادن با واکنش داخلی مواجه نمی‌شود. آیا می‌توان در نظر گرفت که موارد مذکور بخش‌هایی از صنعت و خدمات را هدف قرار داده بود که تا آن زمان شناخت کافی از آثار و تبعات اقتصادی آنها در داخل کشور وجود نداشت؟ و یا فعالیت بیگانگان در آن زمینه‌ها در هر حال تهدید مستقیمی را متوجه منافع تجاری اقتصاد داخلی نمی‌نمود؟ کما اینکه برای مثال بعدها و در جریان‌های مختلف، تسریع در ارسال اخبار به وسیلۀ تلگراف به ولایات و شهرستان‌ها، ناخواسته مسیر بسیاری از تحولات را به نفع مخالفین دربار و آزادی‌خواهان دگرگون ساخت. به عبارت دیگر می‌توان بررسی نمود که تنباکو (تنها موضوع مورد اعتراض در قرارداد تالبوت) به عنوان یکی از اقلام مهم تجاری آیا با منافع بخش مهم و ذی‌نفوذی از تجار و مصرف‌کنندگان درآمیخته بود که ورود رقیب جدید خارجی آن هم به صورت انحصاری را بر نمی‌تابید و در یک کلام چرا شدیدترین و سازمان‌یافته‌ترین مقاومت‌ها در ارتباط با امتیاز تنباکو شکل می‌گیرد؟ بررسی دقیق اوضاع و حجم تجارت تنباکو در آن مقطع در مقایسه با سایر اقلام تجاری، نشان می‌دهد که در طول واقعۀ رژی، تنباکو مهم‌ترین قلم صادراتی کشور به‌شمار می‌رفت. نکته قابل توجه اینکه اعتراضات تجار داخلی، نه در مقابل انحصار خرید شرکت انگلیسی، بلکه در برابر واگذاری انحصار فروش به آن شرکت شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر آنچه که در ورای قضیۀ تنباکو مهجور می‌ماند آثار و تبعات اقتصادی لغو قرارداد است. به عبارت روشن‌تر شناسایی مسئول جبران ضرر و زیان طرف خارجی در فسخ قرارداد میسر نیست. دولت ناصری پس از فسخ قرارداد به ناچار ۵۰۰ هزار تومان از طریق استقراض از بانک به طرف خارجی می‌پردازد و در ضمن عواید ناشی از گمرکات جنوب را نیز به آن اضافه می‌کند. لکن کسری ۵۰۰ هزار تومان خزانه را بعدها کدام طبقه و یا صنف اجتماعی



جبران کرده است و مشخصاً بازپرداخت از کدام محل تأمین شده، کماکان و در عین اهمیت، مبهم است. آیا تیول و بهره مالکانه پرداختی کشاورزان ولایات چنین هزینه‌هایی را در ادامه جبران کرده است یا مالیات پرداختی تجار در گمرکات ورودی؟ و در کل پس از فسخ قرارداد منافع چه گروهی تضمین و رفاه چه گروه‌هایی کاهش پیدا کرد؟ در ارتباط با عواید گمرکات نیز باید توجه داشت که اصولاً نظام تعرفه‌ای گمرکی و ساختار مدرن درآمدی آن به مفهوم امروزی، در دوره رضاشاه شکل گرفته است و لذا با توجه به عدم تمرکز و توان کافی نیروهای انتظامی کشور در آن دوره در کنترل مرزها، اصولاً لزوم عبور کالا از گمرکات مشخص نیست تا بتوان حجم دقیق درآمدهای آن را نیز تخمین زد.

### مصادره قند و شروع اعتراضات

به دنبال ترور ناصرالدین شاه و جانشینی مظفرالدین شاه حادثه جدیدی در عرصه اقتصاد کشور رخ می‌دهد. مصادره قندهای احتکار شده و فلک کردن تجار تهرانی به عنوان عاملی کاملاً اقتصادی سرآغازی می‌شود بر عیان شدن جنبش مشروطه‌خواهی. در اصل چنین می‌نماید که زورآزمایی دربار و بازار به عنوان دو گروه ذی‌نفوذ و سازمان‌یافته دارای منافع ویژه که از دوران ناصرالدین شاه آغاز شده بود، در واقعه احتکار قند به اوج می‌رسد.<sup>۱۰</sup> به دنبال حکم علاءالدوله حاکم تهران در نقض حقوق مالکیت تجار و اجبار ایشان در فروش در قیمت‌های دستوری که با حمایت عین‌الدوله صدراعظم انجام گردید، موج تحصن‌های کسبه و بازاریان آغاز می‌شود.

چنین واقعه‌ای به وضوح آثار و تبعات گسترده اقدام غیرکارشناسی حکومت در واکنش به یک پدیده کاملاً اقتصادی را به نمایش می‌گذارد. در این اثنا نکته بسیار قابل توجه و حائز اهمیت آن است که هر سه خواسته اصلی متحصنین در سفارتخانه‌ها، مساجد و زوایا مواردی اقتصادی است که به نوعی ریشه‌های صنفی دارد و تحقیقاً جستجوی پایه و دلایل آزادی‌خواهانه و آرمان‌خواهانه مردمی به مفهوم مشروطه‌خواهی برای آنها دشوار است. اولین خواسته یعنی عزل حاکم تهران ریشه در تصمیم وی در مصادره قندها داشت که بالتبع ضرر و زیان گسترده‌ای را متوجه تجار اصلی بازار نموده بود. دومین خواسته، شامل طرد و اخراج موسیو نوز بلژیکی وزیر



وقت گمرکات بود که به‌طور آشکاری تنها در ارتباط با منافع تجار موضوعیت پیدا می‌کرد و البته علت آن قابل بررسی است. شاید فقط خواسته مردم و یا همان تأسیس عدالتخانه تا حدودی آثار و عواید مثبت عمومی را دنبال می‌کرد. در اصل اگرچه هدف غایی ایجاد نهادی بود که در دعاوی بین حکومت و مردم داوری نماید لکن در آن مقطع درباره مصداق مفهوم حکومت بود و مفهوم سازمان یافته مردم نیز در بازار و کسبه متجلی می‌شد که از این بابت هم کماکان درخواست در حد مسئله‌ای صنفی باقی‌مانده بود تا برای مثال در مواردی مانند مسئله احتکار قند، تکلیف حقوقی مالکیت و تعرض به آن در دادگاه بی‌طرف مشخص شود. در این راستا می‌توان جستجو نمود که تأمین مالی تحصن‌های درازمدت و سازماندهی ده‌ها هزار نفر افراد با سطح ناچیز سواد حول اهداف ذکر شده آن هم در ایامی که رسانه و یا وسایل ارتباط جمعی به مفهوم امروزی آن وجود نداشته، چگونه صورت گرفته و آیا امری است که در سایه سلسله مراتب و قدرت مالی تجار و بازاریان آن روز چون یک حزب سیاسی به مفهوم امروزی، انجام شده است و یا ناشی از تجهیز فکری و معنوی روشنفکران بوده است.

#### فرمان مشروطه

با افزایش فشارها، ناآرامی‌ها و تعطیلی بازار و در نتیجه صدور فرمان مشروطه در سیزده مرداد ۱۲۸۵ برای اولین بار پارلمان به‌عنوان یک نهاد مدرن حکومتی در ایران گشایش می‌یابد. لکن برقراری نظام صنفی طبقاتی در اولین دوره انتخابات خود می‌تواند بالقوه مؤید نقش گروه‌های سازمان‌یافته در شکل‌دهی جریان‌ات مشروطه‌خواهی باشد که منافع ویژه‌ای را نمایندگی می‌کردند. گروه‌هایی که تا پیش از مشروطه نیز به‌صورت غیررسمی لکن مؤثر در سیاست‌های کلان کشور ذی‌مدخل و ذی‌نفوذ بودند، براساس قانون وقت مجلس اول از طبقه شاهزادگان، اعیان و اشراف، مالکین، بازرگانان، اصناف، علما و طلاب تشکیل شده بود. باید در نظر داشت که در این دوره ضعف طبیعی و مزمن پادشاهان قاجار در حاکمیت با بیماری و مصالحه‌جویی شاه بیمار (مظفردالدین شاه) تشدید و با مداخله بیگانگان در تقویت گروه‌های شبه نظامی و حاکمان محلی که تحت محاسبات و معادلات جهانی این قدرت‌ها صورت می‌گرفت، همراه شد و لذا بیش از



پیش کنترل ولایات و سررشته امور از دامنه اقتدار حکومت مرکزی خارج شد و به تبع آن دریافت مالیات‌ها به عنوان یکی از اقلام مهم تأمین‌کننده خزانه دربار به مرور ایام ناممکن گردید. شکل‌گیری قاعده تیول و یا سیورغال به مفهوم واگذاری اراضی خالصه (تحت مالکیت شاه و یا عمومی) به نظامیان برای تأمین حقوق و مقرری ایشان و در نتیجه شکل‌گیری نظام دیوان‌سالاری در مالکیت زمین و رواج مقاطعه‌گری به جای پیدایش نمونه مشابه فئودالی آن در غرب، خود حاصل همین رویه‌ها در دولت بوده است. از سوی دیگر زیاده‌خواهی مالکان محلی نیز به مرور ایام موجب کاهش انگیزه کشاورزان و در نتیجه کاهش عایدات املاک شده بود. در عین حال که گسترش مبادلات پولی در برابر مبادلات کالایی، موجب افزایش جذابیت محصولات نقدی و تغییر در ترکیب کشاورزی در اراضی خالصه شده بود.

در نتیجه این عوامل، گروه‌های اقماری که به واسطه ضعف دولت مرکزی در دوران قاجار و از طریق حکومت جابرانه در ولایات و وصول مالیات‌های سنگین و رشوه‌خواری به تدریج به قدرت بیشتری دست یافته بودند، حال پس از مرگ ناصرالدین شاه آخرین حاکم نسبتاً قدرتمند قاجار، در اداره حکومت نیز برای خود سهمی قائل بودند و برای کسب آن مجاهدت می‌کردند و تعرض و مقاومت دربار را نیز تحمل نمی‌کردند. ارسال مکرر انواع مأموران و حاکمان جدید از سوی دربار به ولایات و شکست مأموریت‌های ایشان در به اصطلاح سرکوب شورشگران و تنظیم امور نشانگر همین مطلب است. در این ارتباط شناسایی دقیق ادوار مختلف مجالس پس از فرمان مشروطه از نظر ترکیب فراکسیون‌ها، دیدگاه‌ها و خاستگاه اقتصادی اعضای آن قابل تأمل و بررسی است. جداسازی نظارت سیاسی از اقتصادی از میان نطق‌های آتشین و تا حدودی عوام‌فریبانه<sup>۱۱</sup> نمایندگان تأثیرگذار در ادوار مجلس نیز می‌تواند اطلاعات جدیدی را آشکار سازد. برای مثال تقی‌زاده به عنوان یکی از وکلای پرکار مجلس در این دوران به نمایندگی از تجار تبریز به تهران اعزام شده بود. ضمن آنکه طبقه‌بندی مباحث کاری و دستور کار جلسات مجلس براساس موضوعات اقتصادی نیز قطعاً حاوی نکات جدیدی خواهد بود.



### استبداد صغیر

به دنبال جانشینی محمدعلی شاه، کماکان دربار قاجار با کسری بودجه مواجه بود و لذا دولت مخبرالسلطنه برای جبران کسری بودجه ادارات و دربار، لایحه استقراض ۵ کرویر تومان را به مجلس ارسال نمود و لکن نمایندگان و در صدر ایشان نماینده برجسته تجار جنوب یعنی معین‌التجار، در مخالفت با لایحه، دولت را مکلف ساختند تا جهت تأمین منابع نسبت به تأسیس بانک ملی با جلب مشارکت عموم مردم اقدام نماید. این اقدام مجلس ریشه‌های اولیه تقابل محمدعلی شاه و مجلس را فراهم آورد. در این راستا بررسی ابعاد تبعات اقتصادی چنین تصمیماتی راهگشا است. باید توجه داشت که در هر مکانیزم استقراضی، مسئله تأمین منابع بازپرداخت و بهره مترتب بر وام حائز اهمیت است. به همین سبب نیز شناسایی روش‌های بازپرداخت دیون فراوانی که در دوره قاجار بر عهده دولت‌ها قرار گرفته بود ضروری است. به عبارت روشن‌تر واکنش مجلس به استقراض از دو زاویه قابل تأمل است، نخست آنکه در چنین استقراضی مشخص نیست چه میزان بار و تعهد مالی به‌طور مستقیم متوجه گروه‌های ذی‌نفوذ اقتصادی کشور همچون ملاکین و تجار می‌شود. دیگر آنکه، چه بسا تأمین ۵ کرویر تومان برای خزانه شاهی می‌توانست منجر به تقویت حکومت مرکزی و قشون و گسترش امکانات مداخلاتی در ایالات و ولایات گردد.<sup>۱۲</sup> به عبارت دیگر بررسی ترکیب و محل هزینه‌های ۵ کرویر تومان قابل بررسی است.

از سوی دیگر باید بررسی شود که نظام بانکی کشور چگونه عمل می‌کرد و برای مثال نقش بانک استقراضی و بانک شاهی در میزان حجم پول و انتشار اسکناس چه اثری در وضعیت اقتصاد کلان و جابه‌جایی و تقسیم منابع ملی بر عهده داشته است. در این راستا توجه به دلایل اصلی عدم شکل‌گیری نهادهای مالی در نظام پولی کشور قابل تأمل است. مشکلات نهادی بانک‌ها در جمع‌آوری و شناسایی اموال و دیون افراد مفلس و ضعف نظارت بر خریدهای مدت‌دار و قرضه‌ها از یک سو و شکست تلاش‌های صرافان داخلی در ایجاد بانک و سقوط مالی افراد و کارآفرینان محلی و نوپا همچون حاج امین‌الضرب در رقابت با خارجی‌ان از سوی دیگر، به‌طور کلی و در سطح کلان موجبات عدم انباشت سرمایه در داخل کشور را فراهم ساخته بود.<sup>۱۳</sup> ضمن



آنکه به‌طور طبیعی و در سطح خرد نیز ترس از مصادره و از این قبیل امور در اذهان عموم، سبب شده بود تا افراد نسبت به اعلام دارایی‌های خود و سپرده‌گذاری در بانک‌ها دچار تردید باشند. همچنین به‌نظر می‌رسد چگونگی ساختار بودجه دولت‌های قاجار و ترکیب درآمد و هزینه دولت‌ها برای مثال حجم مستمری‌های پرداختی به حرمسراها، شاهزادگان و بودجه قشون و حقوق کارمندان ادارات و نسبت این مقادیر، از جمله مواردی است که در بررسی‌ها غالباً به آنها توجهی نشده است. از زاویه دیگر توجه به وظایف و سازمان وازرتخانه‌های عدلیه، تجارت و فواید عامه که در اصل سه وزارتخانه اصلی اقتصادی دولت‌های قاجار را تشکیل می‌دادند نیز مطلبی است که در تکمیل مطالعات بودجه‌ریزی و محل مصارف منابع خزانه دربار و به عبارت بهتر ارتباط رسمی مالی دولت و مردم در دوره قاجار الزامی است. برای مثال از کل هزینه‌های ۴/۲۵ میلیون تومانی حکومت در سال ۱۲۸۹ شمسی مبلغ ۱/۷۲ میلیون تومان سهم ارتش و ۱ میلیون تومان مستمری وزرای شاهزادگان و ۵۰۰ هزار تومان هزینه مخصوص شاه بوده، در حالی که سهم سه وزارتخانه اصلی معارف، امور عمومی و بازرگانی فقط ۱۰۰ هزار تومان تعیین شده بود.

در این دوره، با ترور اتابک، صدراعظم مقتدر قاجار در مقابل مجلس و پس از ترک کمیسیون بازنگری بودجه آن دوره، سرعت تحولات افزایش یافت و در ادامه مشکلات موجود بین فراکسیون اقلیت مجلس با محمدعلی شاه، در نتیجه ترور نافرجام شاه قاجار در وضعیت حادثری قرار گرفت تا جایی که در نهایت در تیرماه ۱۲۸۷ فرمان حمله به مجلس با توپخانه قزاق‌ها از سوی شاه صادر شد. در همین راستا بررسی ریشه‌ها و دلایل ترورهای مقامات اقتصادی و یا مرتبط با موضوعات اقتصادی در عصر مشروطه نیز حائز اهمیت است. شرح ترور بالا، ترور رئیس انبار غله، یا صنیع‌الملک وزیر وقت دارایی و یا ترور منتخب‌الدوله معاون وقت وزارت مالیه و یا سوءقصد به رئیس بلژیکی مالیه از این دست به‌شمار می‌آیند. با انتشار اخبار تعطیلی مجلس و حبس و تبعید نمایندگان به سایر ولایات و شهرها، موج نافرمانی و ناآرامی، کشور را فرا گرفت و گروه‌های شبه نظامی ایلات و عشایر بختیاری، قشقایی، گیلانی و آذری به قصد تصرف به سمت تهران سرازیر شدند. در این میان بررسی این رویداد از دیدگاه ویژه



اقتصادی سؤالات جدیدی را مطرح می‌سازد. اولاً چرا ولایات و ایالات خاصی در قیام مشروطه حضور داشتند؟ به نظر می‌رسد بررسی بافت اقتصادی و ارتباط منافع این اقوام با تحولات تهران حائز نکات جدید و با اهمیتی باشد. ضمن آنکه مبانی و دلایل اقتصادی تقسیم‌بندی‌های حوزه‌های کشوری در آن ایام نیز قابل تأمل است.

در واقع شناخت ترکیب جمعیتی، سطوح سواد و درآمد گروه‌های قومی ذی‌نفوذ در عرصه تاریخ سیاسی ایران از آن جهت مهم است که حداقل در قالب آن می‌توان شعار بسیار موقتی مشروطه‌خواهی را از سایر انگیزه‌های بسیار ریشه‌ای‌تر و احتمالاً اقتصادی آن تفکیک نمود. باید در نظر داشت که در طول این دوران نرخ باسوادی بسته به ترکیب نفوس ایالات و ولایات مختلف کشور در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت را دربرمی‌گرفت.<sup>۱۴</sup> در عین حال که گرایش به اقتصاد شبانی در مقابل اقتصاد کشاورزی نیز سبب شده بود تا اکثریت جمعیت کشور در میان عشایر غیراسکان یافته متمرکز شود، همزمان اوضاع نابسامان داخلی نیز موج گسترده‌ای از مهاجرت نیروهای متخصص و کارگران ماهر را به وجود آورد. به‌طوری‌که برخی مشاهدات<sup>۱۵</sup> حاکی از مهاجرت قریب به یکصد هزار نفر در سال ۱۹۰۵ از ایران به منطقه قفقاز و روسیه برای کار در صنایع رو به رشد آن منطقه است. به‌همین خاطر به نظر می‌رسد که شناسایی آرای عمومی با توجه به سطوح توسعه انسانی و امکانات دولت‌ها در آن مقطع امکان‌پذیر بوده است. در واقع از طریق مقایسه سطح و نوع ارتباط امروزی شهروندان با نمایندگان منتخب مجالس، با چنین ارتباطاتی در آن دوره، می‌توان چنین استنباط کرد که در آن مقطع نیز ارتباط ارگانیک و تنگاتنگی بین وکلا و مردم ولایات نمی‌توانسته شکل بگیرد تا برای مثال عاملی باشد جهت برانگیختن عموم، در صیانت از حق رأی ملی در مجلس و مشارکت در حکومت.

ترکیب فاتحان تهران شامل سردار اسعد بختیاری، سپهدار تنکابنی، پیرم‌خان ارمنی و فتح‌اله‌خان سردار منصور که خود از مالکین بزرگ و خوانین سستی محسوب می‌شدند و گروه‌های نظامی که تحت فرماندهی و تأمین مالی آنان قرار داشتند، نشانگر این واقعیت است که این فوج حداقل نماینده نواندیشی مشروطه‌خواهی و آزادی‌خواهی نبوده است.





نگاه به ترکیب هیئتی که پس از خلع محمدعلی شاه به اداره کشور پرداخت، شامل سپهدار تنکابنی، سردار اسعد بختیاری، ناصرالملک، مستوفی‌الممالک، فرمانفرما، صنیع‌الدوله و فتح‌الله‌خان سردار منصور شاید این ادعای بالقوه را روشن‌تر تأیید نماید که در هیچ‌یک از تحولات صدر مشروطه و در هیچ‌کدام از مناصب مهم تصمیم‌گیری، هرگز فرد تازه‌واردی از گروه‌های روشنفکر و عامه مردم در سکان قدرت قرار نگرفته است. چه بسا که بسیاری از نام‌های برجسته نواندیشی و اصلاح‌طلبان در این دوران تنها براساس ثبت سوابق جراید آن روزگار و سایر آثار مکتوب در یادها مانده‌اند. ضمن آنکه سطح نازل سواد عمومی، عقب‌ماندگی صنعت نشر و پایین بودن درآمد عمومی به‌عنوان شاخص‌های امروزی توسعه انسانی در دوران قاجار قطعاً در حدی نبوده است که انتشار روزنامه و از این قبیل بتواند تأثیر شگرفی بر توده‌های مردم و عوام از خود برجای بگذارد.

در اصل شاید بتوان چنین استنباط نمود که سران و خوانین در حمایت از نمایندگان خود که قبلاً برای مشارکت در تقسیم قدرت با دربار و حکومت مرکزی به پایتخت فرستاده شده بودند، به تهران یورش آوردند. همچنین در عمل، چنین قشون‌کشی‌هایی مستلزم تأمین مالی وسیعی بوده و هنگامی از نظر اقتصادی امکان‌پذیر و توجیه‌پذیر است که در نظر داشته باشیم در آن تاریخ میزان متناهی از دیون و مالیات‌های ولایات و رجال و ملاکین به خزانه دربار پرداخت نشده بود. مسئله‌ای که خود بعدها با استخدام مورگان شوستر آمریکایی با مأموریت وصول مالیات‌های معوقه به جنجال اولتیماتوم منجر شد و یا عملیات میلیسپو در استیفای مالیاتی باعث تنش بین سپهدار تنکابنی (یکی از فاتحان تهران) و اداره مالیاتی گردید. به عبارت بهتر می‌توان نتیجه گرفت که در واقع استقلال مالی گروه‌های مخالف از دولت مرکزی تنها و تنها عاملی بود که برای ایشان امکان مانور و تأمین مالی چنین حرکت‌هایی را فراهم می‌کرد، مورد بسیار مهمی که بعدها فقدان آن مانع شکل‌گیری جریان‌ات مستقل آزادی‌خواهی در کشور شد.

در همین راستا موضوع استخدام متوالی کارشناسان مالی و گمرکی خارجی برای سکانداری ادارات اقتصادی دولت، خود حاوی نکات ویژه‌ای است. اینکه برای مثال در رأس گمرکات کشور یک فرد بلژیکی گمارده می‌شود و یا از مستشار آمریکایی برای وصول مالیات دعوت



می‌شود و یا خزانه‌داری کل به یک خارجی (مورنار) سپرده می‌شود، همگی حاکی از این واقعیت است که به‌هر حال نیروهای ذی‌نفوذ داخلی در توافق برای انتخاب یک فرد بی‌طرف ایرانی ناکام بوده‌اند. چرا که شاید همواره این شائبه وجود داشته است که مبدا تصمیمات صاحب‌منصبان داخلی بعدها موجبات تعدی به منافع یک گروه و نفع سایر گروه‌ها را فراهم سازد. کما اینکه حتی در مواردی دخالت‌های مستقل مستشاران خارجی نیز مورد تحمل داخلی قرار نمی‌گرفت.

### جنگ اول بین‌الملل و دوران احمد شاه

پیش از پرداختن به روند حوادث در این دوره لازم است به این نکته نیز اشاره شود که اصولاً در تحلیل‌های تاریخی کشور زاویه‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد بررسی دقیق نقش اوضاع اقتصادی-سیاسی جهان در شرایط و مقاطع مختلف مانند جنگ اول و دوم جهانگیر و اثرات آن بر تحولات داخلی است. کاهش عرضه قند در بازار داخل ناشی از جنگ روس و ژاپن، خود بهترین شاهد از بازتاب اثرات اقتصادی روابط شرق و غرب عالم در تحولات داخلی است.

در مقابل نگاه به مداخلات بیگانگان همواره به شکلی بوده است که گویی منویات ایشان صرفاً براساس مداخله، جاسوسی، توطئه، تجاوز و آزار و عقب‌نگه‌داشتن سایر ملل بنا شده است. لکن باید توجه داشت که اگرچه مصادیق چنین عملیات استثماری در تاریخ کشور غیرقابل کتمان است ولی شناسایی عوامل بسیار کلان‌تر و انگیزه‌های جهانی در پس هزینه‌های مداخله، سرمایه‌گذاری در معادن و زیرساخت‌هایی چون تلگراف، بانک و خط‌آهن و یا قشون‌کشی‌ها و رشوه و تطمیع افراد داخلی چگونه تأمین شده است، حداقل از نظر محاسباتی مبهم مانده است و در نهایت صرفاً به ارزش بازار ایران برای محصولات صادراتی بیگانگان و غارت مواد اولیه ارزان کشور اشاره می‌شود.

در این راستا الزامی است تا جهت تحقیق صحت و سقم چنین مواردی برای مثال ترکیب، میزان و ارزش مواد اولیه صادراتی ایران به انگلستان و یا روسیه و سایر همسایگان ایران در آن مقطع بررسی شود ضمن آنکه همین بررسی‌ها باید در مورد واردات از آن کشورها صورت گیرد



و اصولاً قدرت خرید کالای خارجی در کشور با توجه به سطوح پایین درآمدی در داخل بررسی شود.

مطالعات در مورد تحولات تجاری- سیاسی حاشیه جنوبی خلیج فارس تحت مظامع انگلستان در شمال آفریقا و سرحدات عثمانی، همزمان در افغانستان و هند نیز شامل همین رویه خواهد بود. شواهد نشان می‌دهد برای مثال گشایش کانال سوئز در سال ۱۸۶۹ به‌عنوان یک عامل مهم خارجی و بین‌المللی بر هزینه‌های حمل و نقل و تغییر مسیرهای تجاری در منطقه خاورمیانه تأثیر به‌سزایی داشته و اصولاً موجب ترقی تجارت در این منطقه و به تبع آن در ایران شده است. در حالی که در همین مدت نظام مالیاتی تبعیض‌آمیز داخلی در جابه‌جایی کالا در کشور بین هر ایالت و سرحدات آن که در مناطق مختلف و به دفعات بر یک کالا اعمال می‌گردید، سبب شده بود تا از یک سو تجار داخلی از رقابت با طرف‌های خارجی باز مانند (حقوق کنسولی و تجاری روسیه و انگلستان تجار این دو کشور را از پرداخت مالیات در ولایات در قیاس با تجار ایرانی معاف کرده بود و مالیات پرداختی فقط یک بار در سرحدات اعمال می‌گردید)، و از سوی دیگر با حذف حرف و مشاغل پیشه‌وری داخلی که در سایه ورود اجناس و کالاهای با کیفیت و ارزان‌تر خارجی رخ داده بود، کشور از مشارکت صادراتی در جریان‌های تجاری منطقه دور بماند. در واقع به مرور، افزایش مستمر کسری تراز بازرگانی کشور و لزوم تأمین پول خارجی برای مبادلات، تبدیل به یک بحران اقتصادی شده بود. منابعی چون ثروت‌های ناشی از فتوحات نادر و استقرار متوالی خارجی و برخی هزینه‌های قشون انگلیسی در ایران از جمله مواردی است که در این دوره در تأمین مالی کسری‌ها موثر بوده است و همزمان برخی صادرات قاچاق از طریق سرحدات نیز تا حدودی به کسب پول خارجی منجر می‌شده است.

برای درک صحیح از اعداد و ارقام بودجه و درآمدهای دولت و اهمیت روابط مالی خارجی در آن، کافی است توجه داشت که هزینه‌های احداث تلگراف سراسری در سال ۱۸۷۵ میلادی در حدود ۲ میلیون لیره استرلینگ برآورد شده بود که توسط سرمایه‌گذاری خارجی تأمین می‌گردید در حالی که در آن زمان ارزش کل تجارت خارجی سالانه کشور بالغ بر ۲/۵ میلیون لیره بود.



تغییرات بین‌المللی در مقاطع دیگر و به اشکال مختلفی موجبات اثرات اقتصادی سیاسی در داخل را فراهم ساخت. برای مثال با بروز جنگ‌های داخلی در ایالات متحده آمریکا و کاهش محصول صادراتی پنبه از آن کشور، تجارت پنبه در جهان با رونق جدیدی روبه‌رو شد و در نتیجه قیمت پنبه ایران نیز در بازار صادراتی ترقی نمود. در حالی که در یک مورد دیگر شکل‌گیری مراکز جدید تولید ابریشم در بنگال و ارزان بودن محصولات آن در صادرات به ژاپن در قیاس با محصولات ایرانی اثرات منفی جدیدی را بر درآمدهای صادراتی کشور تحمیل نمود. همچنین می‌توان به تأثیرات نرخ برابری ارز بین روبل روسیه و لیره استرلینگ انگلستان ناشی از مناسبات اقتصادی و سیاسی این دو قدرت جهانی وقت و اثرات آن بر اوضاع تجاری و مالی کشور نیز توجه نمود.

### پی‌نوشت‌ها

1. Political Economy.
2. Comparative Politics.
3. Low & Economics.
4. Positive.
5. Normative.

۶. نیل در مصر، دجله و فرات در عراق، ولگا در روسیه، سند و گنگ در هند و یانگ‌تسه در چین و سایر رودخانه‌های بزرگ در اروپا.

۷. در حالی که همزمان خطوط منظم کشتیرانی در هند، بین دریای سرخ و مدیترانه در سال ۱۸۳۰ و راه‌آهن در مصر در سال ۱۸۵۳، در ترکیه در سال ۱۸۶۷، در لبنان و سوریه در سال ۱۸۹۴ و در سودان در سال ۱۸۹۸ قبلاً شکل گرفته بود، در ایران این مهم تا سال ۱۹۳۸ به طول انجامد.

۸. بین سال‌های ۱۸۹۵ تا ۱۹۰۵ قیمت گندم شش برابر افزایش می‌یابد.

۹. ادامه مشکلات ناشی از رقابت نیروهای متخاصم بیگانه در احداث راه‌آهن در ایران، منجر به مصوبه معروف به حق «عقیم‌سازی» در سال ۱۸۹۰ میلادی گردید که به مدت ۱۰ سال کشور را از ساخت راه‌آهن محروم می‌ساخت.

۱۰. افزایش مشارکت و سهم‌خواهی دربار در تجارت بعدها به جایی رسید که در دوران جنگ اول جهانی و کمبود آرد، احمد شاه به شکل یک تاجر وارد بازار شد و با احتکار آرد، سود بسیاری را نصیب خود ساخت.

### 11. Populist.

۱۲. بودجه دولت در سال ۱۸۳۰م معادل ۴/۷ میلیون تومان یا ۱/۹ میلیون لیره، در سال ۱۸۵۳ معادل ۳/۴ میلیون تومان، در سال ۱۸۹۰ معادل ۶ میلیون تومان و در سال ۱۹۰۷ میلادی برابر با ۸ میلیون تومان بوده است.

۱۳. در این میان بررسی قدرت مالی برخی صرافان ارمنی در ارائه وام به دولت‌های قاجار نکته قابل تأملی است. برای مثال مراجعه عین‌الدوله، صدراعظم احمد شاه، به طومانیانس برای جبران کسر بودجه دربار.

۱۴. از این میان در حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد از باسوادان در بین تجار متمرکز شده بودند.

۱۵. ن. بلووا.



## منابع

- باقری، علی، جامعه و حکومت در ایران، تهران، مرکز نشر بین‌الملل، تابستان ۷۱.
- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۱۳۳۷)، تهران.
- جمالزاده، سید محمدعلی، گنج شایگان، برلین، کتاب تهران، ۱۳۳۵.
- عاقلی، باقر، نخست‌وزیران ایران (از مشیرالدوله تا بختیار)، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۷۰.
- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۹.
- کرزن، جرج. ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- Drouville, Gaspard, *Voyage en Perse en 1812 et 1813*, paris, 1825.
- Gobineau, Atthur de., *Trois ans en Asir*.